

## بررسی رابطه دین و فطرت؛ اگر دین امری فطری است، ریشه تعارض با دین چیست؟

### اگر دین و فطرت هماهنگ هستند؛ چرا بعضی از افراد مسیر عبور از دین را انتخاب می‌کنند؟

شاید بسیاری از ما در مقاطعی احساس کرده باشیم میان خواسته‌های درونی ما و آنچه دین می‌گوید فاصله‌ای وجود دارد. این تجربه یک سؤال مهم ایجاد می‌کند که اگر دین فطری است، چرا گاهی چنین تعارضی احساس می‌شود؟ آیا دین با سرشت ما ناسازگار است یا مسأله از جای دیگری ناشی می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید ساختار وجود خود را دقیق‌تر بشناسیم. انسان فقط مجموعه‌ای از تمایلات لحظه‌ای نیست، بلکه دارای حقیقتی عمیق‌تر به نام فطرت است و دین دقیقاً در ارتباط با همین حقیقت معنا پیدا می‌کند.

در نگاه انسان‌شناختی، دین فقط مجموعه‌ای از احکام و دستورها نیست، بلکه برنامه‌ای هماهنگ با حقیقت وجود بشر است. ما به صورت طبیعی گرایش به حقیقت، عدالت، زیبایی و کمال داریم. این گرایش‌ها محصول آموزش یا فرهنگ نیستند، بلکه در اصل خلقت ما قرار داده شده‌اند. قرآن کریم به همین حقیقت اشاره می‌کند و از دینی سخن می‌گوید که هماهنگ با فطرت الهی بشر است.<sup>۱</sup>

دین در برابر فطرت قرار ندارد، بلکه مسیر شکوفایی حقیقت درونی بشر را نشان می‌دهد. با این حال تجربه زندگی نشان می‌دهد که افراد همیشه این هماهنگی را احساس نمی‌کنند. گاهی در برابر یک حکم دینی مقاومت درونی شکل می‌گیرد. این مقاومت واقعی است، اما برای فهم ریشه آن باید به این نکته توجه کنیم که ما فقط یک نوع گرایش درونی نداریم.

در درون ما دو جهت فعال حضور دارد: فطرت و طبیعت. فطرت ما را به سوی حقیقت، خیر و کمال سوق می‌دهد و طبیعت ما را به سوی لذت فوری، حفظ منافع و ارضای سریع تمایلات هدایت می‌کند. هر دو بخشی از وجود ما هستند، اما نقش و جهت آن‌ها یکسان نیست. مشکل از جایی آغاز می‌شود که این دو صدا با یکدیگر اشتباه گرفته شوند.

<sup>۱</sup> فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ سوره روم، آیه ۳۰

گاهی آنچه خواست قلبی می‌نامیم؛ در حقیقت صدای طبیعت تقویت شده است نه ندای فطرت. در چنین شرایطی اگر دین با این میل قلبی تعارض پیدا کند، چنین به نظر می‌رسد که دین و فطرت با هم ناسازگارند؛ درحالی‌که تعارض واقعی میان دین و فطرت نیست؛ بلکه میان دین و طبیعت غالب شده است. این نکته کلیدی است که دین نیامده فطرت را محدود کند، بلکه آمده است از فطرت در برابر غلبه طبیعت محافظت کند.

برخی خواسته‌ها نتیجه عادت‌ها، فضای اجتماعی یا تحریک‌های بیرونی هستند، نه بیان حقیقت وجود ما. اگر این تمایز روشن نشود، دو برداشت نادرست شکل می‌گیرد: یا دین به‌عنوان عاملی محدود کننده دیده می‌شود یا هر میل درونی به‌عنوان حقیقت اصیل و فطری پذیرفته می‌شود. هر دو برداشت تصویر نادرستی از نسبت دین و فطرت ارائه می‌دهند.

هدف این بحث آن است که با نگاه به تجربه واقعی زندگی روشن شود چرا دین و فطرت با هم هماهنگ و سازگارند و در عین حال چرا بشر گاهی احساس تعارض می‌کند.

### آیا هر صدای درونی، صدای فطرت است؟

یکی از خطاهای رایج در فهم نسبت دین و فطرت این است که تصور می‌شود هرچه از درون برمی‌خیزد، لزوماً بیانگر فطرت است. بر اساس این تصور، کافی است به احساس درونی خود رجوع کنیم تا مسیر درست را پیدا کنیم. اما تجربه واقعی نشان می‌دهد که موضوع پیچیده‌تر از این است.

قرآن کریم می‌فرماید: «و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو آفرید، پس بزه‌کاری و پرهیزکاری آن را به او الهام کرد.»<sup>۲</sup> این آیه نشان می‌دهد درون هر فرد فقط یک گرایش واحد وجود ندارد؛ خداوند فجور و تقوا را به انسان الهام می‌کند و او، هم ظرفیت حرکت به سوی حقیقت و هم امکان انحراف را دارد؛ این یعنی درون ما میدان انتخاب است، نه مسیری از پیش تعیین شده و بدون خطا.

برای روشن‌تر شدن موضوع به یک مثال ساده توجه کنیم. فرض کنید در موقعیتی خاص گفتن یک دروغ

<sup>۲</sup> و نَفْسٍ و مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا؛ سوره شمس، آیات ۷ و ۸

می‌تواند منفعتی فوری ایجاد کند. در چنین لحظه‌ای ممکن است تمایل به دروغ گفتن در درون فرد شکل بگیرد. اما این میل از کجا آمده است؟ آیا از حقیقت‌جویی فطرت سرچشمه گرفته است یا از طبیعتی که به دنبال منفعت فوری است؟

یا میل به دیده و تأیید شدن را در نظر بگیرید. این میل گاهی می‌تواند ریشه در استعداد و مسئولیت‌پذیری داشته باشد، اما گاهی فقط شکل پنهان میل به برتری بر دیگران است. تشخیص این دو همیشه آسان نیست.

قرآن هشدار می‌دهد که اگر از خواهش‌های نفسانی پیروی کنیم، قدرت دیدن حقیقت را از دست می‌دهیم.<sup>۳</sup> یعنی مشکل فقط در انتخاب نادرست نیست؛ بلکه در این است که بشر به تدریج توان تشخیص درست را نیز از دست می‌دهد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز به این حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «چه بسیار عقل‌ها که اسیر فرمانروایی هوس هستند.»<sup>۴</sup> این یعنی حتی عقل نیز اگر تحت تأثیر تمایلات نادرست قرار گیرد، کارکرد هدایت‌گری خود را از دست می‌دهد.

خطر اصلی از جایی آغاز می‌شود که طبیعت خود را به جای فطرت معرفی کند. در این حالت گمان می‌کنیم به حقیقت وجود خود پاسخ می‌دهیم؛ درحالی‌که در واقع از تمایلات تقویت شده طبیعت پیروی می‌کنیم. در چنین شرایطی تعارض با دین به اشتباه تعارض با فطرت تلقی می‌شود؛ درحالی‌که دین و فطرت در کنار هم قرار دارند و مقابل یکدیگر نیستند.

### نقش دین در نزاع میان فطرت و طبیعت

پس از آنکه روشن شد در درون انسان کشاکشی واقعی میان فطرت و طبیعت جریان دارد، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که دین در این میان چه نقشی دارد؟ آیا دین فقط آمده است آنچه را ما در درون خود احساس می‌کنیم تأیید کند یا وظیفه‌ای فراتر بر عهده دارد؟

<sup>۳</sup> أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ سوره جاثیه، آیه ۲۳  
<sup>۴</sup> وَ كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسْبِرَ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱

برداشت رایج این است که دین صرفاً پاسخ فطرت است، یعنی گرایش‌های اصیل از پیش در وجود ما قرار داده شده‌اند و دین فقط آن‌ها را بیان و تقویت می‌کند؛ اما اگر ما همیشه می‌توانستیم تنها با تکیه بر احساس درونی خود مسیر درست را تشخیص دهیم، دیگر چه نیازی به هدایت، هشدار و تربیت وجود داشت؟

واقعیت این است که دین فقط تأییدکننده نیست؛ بلکه کمک می‌کند منشأ واقعی خواسته‌های خود را تشخیص دهیم و میان دو نوع خواستن تمایز قائل شویم. خواستنی که ریشه در فطرت دارد و خواستنی که نتیجه غلبه طبیعت، تمایلات زودگذر یا تأثیر شرایط بیرونی است. قرآن به این پیچیدگی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «انسان نسبت به حقیقت خود آگاه است، حتی زمانی که برای رفتار خود توجیه می‌آورد»<sup>۵</sup> این یعنی فرد می‌تواند رفتار خود را موجه بداند، بی‌آنکه منشأ واقعی آن را به درستی تشخیص داده باشد. برای نمونه، میل به دیده شدن ممکن است در قالب اثرگذاری اجتماعی یا خدمت به دیگران ظاهر شود، یا تمایل به رهایی از مسئولیت با نام آزادی توجیه گردد. در چنین شرایطی تمایز میان فطرت و طبیعت دشوار می‌شود؛ زیرا تمایلات طبیعت می‌توانند در پوشش ارزش‌ها ظاهر شوند. اگر این روند ادامه یابد، قدرت تشخیص به تدریج تضعیف می‌شود و فرد ممکن است خواسته‌های گذرا را با حقیقت وجود خود اشتباه بگیرد.

قرآن هشدار می‌دهد: «از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند.»<sup>۶</sup> این هشدار فقط به انحراف رفتاری اشاره ندارد، بلکه به پیامدی عمیق‌تر نیز اشاره می‌کند؛ اگر فرد بارها از تمایلات نادرست پیروی کند، به تدریج قدرت تشخیص خود را تضعیف می‌کند.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در این مورد می‌فرماید: «کسی که از هوای نفس خود پیروی کند، هوس او را کوردل، کرباطن و خوار و گمراه می‌سازد.»<sup>۷</sup> این کوری، نابینایی ظاهری نیست؛ بلکه به معنای از دست رفتن بصیرت درونی است. در چنین وضعیتی طبیعت می‌تواند خود را به جای فطرت معرفی کند و فرد بی‌آنکه

<sup>۵</sup> بَلِ الْإِنْسَانُ عَنَ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْفَنَ مَعَاذِرَةً؛ سوره قیامه، آیات ۱۴ و ۱۵

<sup>۶</sup> وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ سوره ص، آیه ۲۶

<sup>۷</sup> مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ أَغْمَاهُ وَأَصْمَهُ وَأَكَلَهُ وَأَضَلَّهُ؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۵

متوجه باشد، از مسیری فاصله بگیرد که حقیقت وجود او اقتضا می‌کند.

در اینجا نقش دین روشن‌تر می‌شود. دین تکیه‌گاهی ثابت در اختیار فرد قرار می‌دهد که وابسته به شرایط متغیر و میل‌های لحظه‌ای نیست. این شاخص و راهنما کمک می‌کند، بتوانیم خواسته‌های اصیل فطرت را از خواسته‌هایی که تحت تأثیر عادت، محیط یا تمایلات گذرا شکل گرفته‌اند، از هم تفکیک کنیم؛ بنابراین دین در برابر فطرت قرار ندارد؛ بلکه پشتیبان و محافظ آن است و کمک می‌کند مسیر واقعی رشد خود را گم نکنیم و آگاهانه در جهت کمال حرکت کنیم.

آنچه در این درس روشن شد این است که دین و فطرت در تعارض با یکدیگر نیستند، بلکه دین از فطرت محافظت می‌کند و مسیر شکوفایی آن را روشن می‌سازد. بسیاری از تعارض‌هایی که به‌عنوان ناسازگاری دین و فطرت مطرح می‌شود در واقع از اشتباه گرفتن صدای طبیعت با صدای فطرت ناشی می‌شود. وقتی این تمایز روشن شود، نگاه ما به دین نیز تغییر می‌کند؛ در این صورت دیگر دین را به‌عنوان مجموعه‌ای از اجبارها نمی‌بینیم، بلکه آن را به‌عنوان راهنمایی برای رسیدن به رشد و کمال واقعی می‌پذیریم. شناخت درست نسبت دین و فطرت نقطه آغاز تربیت صحیح است. وقتی دین به‌عنوان معیار تشخیص فهم شود، دیگر نه به اجبار تقلیل می‌یابد و نه به امری سلیقه‌ای تبدیل می‌گردد؛ بلکه جایگاه واقعی خود را به‌عنوان راهنمای رشد انسان بازمی‌یابد.

اگر شما نیز تعارضی میان دین و فطرت در درون خود تجربه کرده‌اید یا دیدگاهی درباره این موضوع دارید، خوشحال می‌شویم آن را با ما در میان بگذارید.